خبر

برخی از گمرک‌ها دستشویی هم ندارند

■ **قانون:** وزیر اقتصاد و دارایی که صبح دیروز به منظور دفاع از لایحه امور گمرکی به مجلس شورای اسلامی آمده بود برخی از مشکلات گمرک کشور را مطرح کرد. در جریان بررسی ماده‌ای از لایحه امور گمرکی که طبق آن، دودرصد از حقوق ورودی وصولی به عنوان درآمد اختصاصی گمرک در بودجه سالانه منظور می‌شد، مهرداد لاهوتی نماینده لنگرود با مفاد این ماده مخالفت کرد. سید شمس‌الدین حسینی وزیر اقتصاد نیز در دفاع از این ماده تاکید کرد که گمرک مشکلات زیادی دارد که از جمله آن نداشتن دستشویی در برخی از آنهاست. وی ادامه داد: در برخی از گمرک‌ها حتی کامپیوتر و اینترنت هم وجود ندارد. وی از خانه‌های متروکه کارکنان گمرک نیز خبر داد. مقررات مربوط به کمیسیون‌های رسیدگی به اختلافات گمرکی و تجدید نظر تعیین شد.

احتمال درآمد ۱۰۰ میلیارد دلاری ایران در سال‌جاری میلادی

■ **خبر آنلاین:** درآمد نفتی ایران در هشت ماهه ابتدایی سال میلادی جاری از مرز ۶۰ میلیارد دلار عبور کرد. بر این اساس، پیش‌بینی می‌شود طی چهار ماه آینده در صورت ادامه روند فعلی درآمد کشور از مرز ۹۵میلیارد دلار فراتر رود که طی سال‌های گذشته بی‌سابقه بوده است. در این بین، براساس بررسی‌های صورت گرفته کمترین قیمت نفت خام ایران در ماه‌های ابتدایی میلادی (دی و بهمن سال گذشته) بوده است که رقمی حدود ۹۳ تا ۹۴ دلار را به ثبت رسانده است. بالاترین رقم نفت خام طی ماه‌های گذشته نیز به ماه‌های تیر و مرداد امسال اختصاص دارد! در این بین آنچه که مورد تاکید قرار می‌گیرد احتمال افزایش قیمت نفت خام ایران به اروپا به دلیل اختلافات اروپایی‌ها با روسیه و اختلافاتی بر سر صادرات نفت خام این کشور به اروپا و آمریکاست. بنابراین در شرایطی که در حال حاضر بیش از ۶۸درصد نفت خام ایران به اروپا صادر می‌شود پیش‌بینی شده تقاضای این قاره برای نفت خام ایران افزایش یابد که در این صورت قیمت نفت خام ایران افزایش چشمگیری خواهد داشت. در این صورت در خوشبینانه‌ترین حالت پیش‌بینی می‌شود درآمد نفتی ایران در پایان سال میلادی جاری به حدود صد میلیارد دلار برسد. در این بین قرار است از محل فروش هر بشکه نفت خام ایران ۸۱/۵ دلار آن به خزانه واریز شود و مابقی آن وارد صندوق توسعه ملی شود.

کاهش مطالبات معوق بانکی به ۳۵ هزار میلیارد تومان

■ **ایسنا:** معاون بانک و بیمه و شرکت‌های دولتی وزیر امور اقتصادی و دارایی از کاهش مطالبات معوق نظام بانکی به ۳۵۱هزار میلیارد ریال در پایان خرداد ۹۰ خبر داد. اصغر ابوالحسنی هستیانی در یک نشست خبری اظهار کرد: از شهریور ۸۸ که بانک مرکزی و وزارت اقتصاد به موضوع مطالبات معوق بانک‌ها ورود کرده‌اند نسبت به این مطالبات تاکنون کاهش چشمگیری داشته است. وی افزود: رقم معوقات در شهریور ماه ۸۸ معادل ۴۸۵هزار میلیارد ریال بود که در آذر ماه به ۵۰۰هزار میلیارد ریال افزایش پیدا کرد. به گفته وی معوقات بانکی در اسفند سال ۸۶ معادل ۱۵۰هزار میلیارد ریال بود که پس از افزایش به ۵۰۰هزار میلیارد ریال در آذر ماه ۸۸ و حالا به ۳۵۱هزار میلیارد ریال کاهش یافته است. وی گفت: قفل شدن نقدینگی در قالب معوقات پاسخگویی بانک‌ها را دچار مشکل می‌کند.

ساختمان وزارت رفاه به حراج گذاشته شد

۱۲۰میلیارد تومان؛ قیمت اولیه

■ **مهر:** ساختمان وزارت رفاه و تامین اجتماعی سابق نخستین ساختمانی نام گرفت که در جریان ادغام وزارتخانه‌ها به مزایده گذاشته شده است. این روزها اخبار متعددی از ادغام وزارتخانه‌ها و وضعیت کارمندان آنها به گوش می‌رسد که دامنه آن، از معارفه معاون رفاه و تامین اجتماعی وزارت تعاون، کار و رفاه در سکوت رسانه‌ای و انتقال کارمندان وزارت رفاه سابق به ساختمان مرکزی وزارت کار سابق در خیابان آزادی کشیده شده است. این اخبار در حالی هر روز با مجموعه تحولات انجام شده در سه وزارتخانه سابق داغ‌تر می‌شود که از روز یکشنبه ساختمان وزارت رفاه و تامین اجتماعی در خیابان ولیعصر نرسیده به میدان ونک به مزایده گذاشته شده است. این ساختمان شیک و نقره‌ای رنگ وزارت رفاه سابق از سوی شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی به حراج گذاشته شده است. خبرنگار «مهر» کسب اطلاع کرد که قیمت پایه این ملک ۱۲۰۰میلیارد ریال تعیین شده، ضمن اینکه زیربنای این ملک ۱۶هزار و ۲۶۲مترمربع در قالب پنج طبقه و سه طبقه پارکینگ مجزاست. ساختمان وزارت رفاه ۵۰خط تلفن و ۱۴۳متر فضای تجاری مفید دارد. در واقع، بنای مفید این ملک هفت‌هزار و ۴۳۶مترمربع است. اطلاعات دریافتی نشان می‌دهد که امروز یک درخواست به شرکت سرمایه‌گذاری تامین اجتماعی برای شرکت در مزایده ارجاع شده است.

بازخوانی نابرابری (۶)؛ گفت‌وگو با سعید لیلاز

ترجیح توزیع ثروت، فقر را مویرگی کرد

رضا غیبی

عکس: مهدی حسنی، شرق

بحث تلخ

فقر پدیده‌ای است که به باور کارشناسان از اوایل دهه ۵۰ در جامعه نمود بیشتری پیدا کرد و دلارهای نفتی نیز در طول پنج‌دهه گذشته به آن دامن زده است. در بررسی عدم موفقیت دولت‌های بعد از انقلاب در مبارزه با این پدیده، علل گوناگونی از جمله سیاست‌های افراطی برخی از دولت‌ها در توجه به دهک‌های پایین جامعه، سیاست‌های سوسیالیستی، تعدیلی یا نئوکلاسیک سایر دولت‌ها مطرح شد. سیاست‌زدگی اقتصاد، بی‌برنامگی و خروج عقلانیت از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی نیز از دیگر مواردی بود که در گفت‌وگو با کارشناسان و صاحب‌نظران اقتصادی مورد تاکید قرار گرفت. سعید لیلاز نیز همچون سایر کارشناسان معتقد است طی سه دهه اخیر در فقرزدایی توفیق چندانی حاصل نشده است. وی دخالت‌های سیاسی دولت‌ها را در اقتصاد مهم‌ترین عامل ناکامی در فقرزدایی می‌داند و معتقد است ترجیح توزیع ثروت بر تولید آن، گسترش فقر در جامعه را به صورت مویرگی درآورده است. آنچه در پی می‌خوانید حاصل گفت‌وگوی ما با سعید لیلاز، کارشناس مسایل اقتصادی است.

فقر و نابرابری یکی از حساسیت‌های همیشگی مردم و دولت‌ها بوده و هست اما به باور کارشناسان با وجود حساسیت‌های موجود دولت‌ها نتوانستند اقدام تاثیرگذاری برای فقرزدایی و کاهش نابرابری انجام دهند. چرایی این عدم توفیق را در کجا باید جست‌وجو کرد؟

اقدامات دولت‌های بعد از انقلاب بی‌فایده هم نبوده، گرچه در نهایت منجر به فقرزدایی نشده است، اما وضعیت بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه بهبود یافته است. توجه داشته باشید مهم‌ترین جنبه اقتصادی انقلاب وجود شکاف طبقاتی شدید در جامعه بود که از ابتدای دهه ۵۰ شکل گرفته و انفجار اجتماعی را اجتناب‌ناپذیر کرد. بر اساس آمارهای موجود، اواخر سال ۴۹ اختلاف درآمد دهک‌های اول به دهک‌های آخر در جامعه ۱۷ برابر بود که این اختلاف در سال ۵۶ به ۳۸ برابر رسید. این شکاف درآمدی در ایران از زمان انتشار آمار تاکنون بی‌سابقه بوده است. مجموعه اقدامات صورت‌گرفته پس از انقلاب این عدد را به ۱۴ رساند اما با افزایش مجدد شکاف طبقاتی در سال‌های اخیر این اختلاف بازهم تا ۱۷برابر افزایش پیدا کرد. با وجود اختلاف یک به ۱۷ درآمدی دهک‌های اول به آخر در دوره حاضر، نسبت به سال ۵۶ بهبود دوبرابری در این شاخص را شاهد هستیم که نشان‌دهنده بهبود بی‌عدالتی و تبعیض در جامعه است.

اما در بهبود وضعیت بی‌عدالتی و تبعیض عوامل دیگری از جمله خروج سرمایه‌گذاران نیز نقش داشته‌اند که نمی‌توان به سادگی از کنار آنها گذشت. با توجه به این نکته آیا می‌توان بهبود بی‌عدالتی را نتیجه عملکرد دولت‌ها دانست؟

بخش قابل توجهی از این بهبود نتیجه خروج وحشتناک سرمایه و سرمایه‌داران از کشور طی ۳۵سال گذشته بوده است و این نکته نباید نادیده گرفته شود. یکی از مهم‌ترین دلایل کاهش شکاف طبقاتی در ایران خروج سرمایه‌داران پس از جمع‌آوری ثروت بوده است، به‌طوری که با خروج ۱۰درصد اول جامعه یا همان اقشار مرفه و پردرآمد، دایره قشرهای مورد ارزیابی محدودتر شده است. در کنار این عامل نباید از توجه ویژه جمهوری اسلامی به محرومان نیز غافل شد.

در مساله فقر چطور؟ آیا در این حوزه نیز توفیقی حاصل شده است؟

در مقوله مبارزه با فقر توفیق چندانی حاصل نشده و عملکرد دولت‌ها قابل قبول نیست. دلیل این عدم موفقیت هم وجود سیاست‌های سوسیالیستی و تسلط و دخالت گاه‌وبی‌گاه دولت در اقتصاد بوده که امکان فقرزدایی را سلب کرده است در این شرایط تمامی تلاش‌های دولت برای فقرزدایی و توزیع درآمد در نهایت به توزیع شدید فقر در جامعه منجر می‌شود.

اما این نگاه در تمامی دولت‌ها وجود نداشته و شرایط جنگ، سیاست‌های تعدیلی و... شرایط متفاوتی را در طول ۳۲سال گذشته در اقتصاد رقم زده‌اند.

اگر کمی منصف باشیم باید ۱۰سال ابتدایی انقلاب را کنار بگذاریم چرا که هشت سال جنگ تحمیلی و فشارهای داخلی و خارجی در کنار محدودیت‌های ایجاد شده عملا سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته را تحت‌الشعاع قرار داده بود. پس از پشت سر گذاشتن دوران جنگ تمامی سیاست‌گذاری‌ها به‌گونه‌ای بود که توزیع ثروت بر تولید ثروت ارجحیت پیدا کرد و همین مساله موجب گسترش مویرگی فقر در جامعه شد.

درآمدهای نفتی چه نقشی در تشدید این پدیده و عدم کارآیی سیاست‌های اتخاذ شده داشته است؟

در نیم قرن گذشته ایران بیش از یک تریلیون دلار درآمد نفتی داشته است اما عدم سرمایه‌گذاری و توجه به تولید ثروت موجب شده است باوجود بهره‌گیری از درآمد سرشار نفتی، تولید ناخالص ملی (بدون نفت) بین ۲۵۰ تا ۳۰۰میلیارد دلار باشد. این میزان نصف تولید سرانه و مطلق کشوری مثل ترکیه است که از نعمت نفت هم بی‌بهره است. اگر قدرت خرید دو کشور را هم برابر در نظر بگیریم، باز هم این عدد کمتر از نصف سرانه کشور ترکیه است چراکه در نیم‌قرن اخیر و از زمانی که برنامه‌های توسعه مطرح شد مساله اصلی تولید ثروت بوده است اما بررسی‌ها نشان می‌دهد که تمرکز دولت‌ها چه قبل از انقلاب و چه بعد از آن روی توزیع ثروت بوده است این در حالی است که مساله تولید ثروت در کشور حل نشده است و توزیع ثروت مساله‌ای انحرافی است که دولت‌ها همواره به عنوان ابزار سیاسی از آن استفاده می‌کنند.

آیا می‌توان گفت نگاه سیاسی به اقتصاد یکی از معضلات بزرگ اقتصاد ایران است که باوجود عدم توسعه یافتگی، گسترش روزافزون فقر، خروج سرمایه‌داران و بی‌میلی سرمایه‌گذاران به مشارکت در اقتصاد را موجب شده است؟

بعد از انقلاب که واژه دموکراسی به ادبیات سیاسی ایران راه پیدا کرد، دولت‌ها سعی کردند مخاطبان را در کوتاه مدت راضی نگه دارند. با توجه به این نکته یکی از ابزارهایی که رای آوری بالایی برای دولت‌ها دارد همان توزیع ثروت است. باوجود توجه به سرمایه‌گذاری و تولید در برخی دولت‌ها، با تغییر دیدگاه دولتمردان در سال‌های اخیر توجه به تولید کمتر و توزیع ثروت شدت گرفت. در این بخش نباید نقش تسلط دولت بر اقتصاد و دخالت‌های گاه‌وبی‌گاه در مسایل اقتصادی را فراموش کرد. دخالت‌هایی که بعضا اهداف سیاسی را دنبال می‌کنند. اقتصاد ایران و سیاست‌گذاری‌های صورت گرفته در این حوزه به‌گونه‌ای است که می‌توان گفت ایران کمونیستی‌ترین اقتصاد غیرکمونیستی را دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت سیاست‌های در پیش گرفته شده موجب گسترش فقر می‌شود و با این شیوه نمی‌توان فقر را از بین برد. چرا که به هر اندازه که تسلط دولت‌ها بر اقتصاد بیشتر باشد و به جای توسعه و هدایت اصولی اقتصاد در آن دخالت‌هایی با اهداف سیاسی صورت گیرد، کاهش بهره‌وری، کاهش میزان درآمد، کاهش تولید ملی، بیکاری و در نهایت فقر گریزناپذیر است. تسلط دولت در اقتصاد، فساد و ایجاد رانت را موجب می‌شود و این عاملی خواهد بود برای افزایش شکاف طبقاتی و فساد هرچه بیشتر اداری. فسادی که در سال ۱۳۴۰ با اختلاس یک‌میلیاردی در سال ۱۳۷۰ با اختلاس ۱۲۰ میلیاردی و در سال ۱۳۹۰ با اختلاس سه‌هزارمیلیارد تومانی نمود پیدا کرد. بر همین اساس می‌توان گفت امواج فساد در اقتصاد و گسترش مویرگی فقر در جامعه ناشی از نفوذ دولت در اقتصاد بوده است.

ادامه از صفحه ۴

واکاوی ۸ نماینده مجلس از وعده ایجاد ۲/۵میلیون شغل

رویایی که خیالش می‌کنیم

پزشکیان: باز هم نیاز به کار کارشناسی دارد اما اگر بخواهیم به شکل کلی بگوییم احساس می‌کنم که امنیت شغلی به آن صورت وجود ندارد. البته جواب این سوال نیازمند کار تحقیقاتی است و نمی‌توان همین جوری قضاوت کرد. ولی به هر حال استنباط و احساس آدم می‌گوید که چه در اشتغال و چه در سرمایه‌گذاری امنیت به شکل واقعی وجود ندارد.

نریمان: به صورت عام بنده معتقدم که مقداری کاهش پیدا کرده است. چون بسیاری از کارهایی که ایجاد شده به منابع اعتباری وابسته است، به همان میزان از درجه امنیت شغلی کاسته شده است. شما ببینید روزی نیست که همین پروژه مسکن مهر درگیر و دار تسهیلات بانکی گرفتار نباشند. این روشنگر این مساله است که چون عقبه‌های تصمیم‌گیری در مورد منابع به شکل نوسانی عمل می‌کنند امنیت شغلی وجود ندارد. من معتقدم با توجه به اینکه درآمدهای نفتی ما افزایش یافته است اما به علت تصمیمات نوسانی و عدم قاطعیت در برنامه‌ریزی‌های دولتی مقداری از امنیت شغلی کاسته شده است.

حسین‌نژاد: قاعدتا با بالارفتن تخصص‌ها و تجارب، ثبات شغلی در بخش مدیریتی بالا رفته است. اما با توجه به انفجار جمعیت جوان در رسیدن به سن اشتغال در کشور وعده ایجاد ۲/۵میلیون شغل بیانگر نبود امنیت شغلی در ایران است.

دلخوش: به نظر من امنیت شغلی کاهش پیدا کرده است. با توجه به واگذاری‌های تصدی‌های دولتی به بخش خصوصی و همچنین تعدیل نیرو در بخش دولتی مشکلات زیادی را در بازار اشتغال به وجود آورده است.

شهریاری: با توجه به بالارفتن نرخ بیکاری می‌توان نتیجه گرفت که امنیت شغلی نیز کاهش یافته است. هم زمان با آنکه اعلام می‌کنیم یک میلیون شغل ایجاد کرده‌ایم باید آمار بیکار شدن تعداد زیادی از افراد را نیز در نظر داشته باشیم. حتی اگر ایجاد اشتغال هم در مقیاس یک میلیون محقق شده باشد، باز هم با وجود تعطیلی بسیاری از کارخانجات و بنگاه‌های صنعتی به روشنی می‌توان دریافت که از سطح امنیت شغلی کاسته شده است، چون بسیاری از کارگران در یکی، دو سال اخیر به دلیل مسایل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی اخراج شده‌اند. حتی نرخ ۱۴/۵درصد بیکاری هم زیر سوال است و این رقم در بین تحصیلکرده‌ها تا ۳۰درصد هم می‌رسد. کار به جایی رسیده که بانک‌ها وثیقه‌های آنها را به اجرا گذاشته‌اند و وضع اسفناکی پیش آمده است.

تغییر فرمول و تعریف اشتغال توسط دولت با چه رویکردی صورت گرفته است؟

جلالی: به نظر می‌رسد اگر این موضوع واقعیت داشته باشد، کار غلطی است. به هر حال اگر بخواهیم با این فرمول پیش برویم، مثل روشی است که در سال‌های گذشته هم مطرح بود. عده‌ای به روستاها می‌رفتند و از مردم می‌پرسیدند که در طول یک ماه گذشته کار کرده‌اید یا خیر؟ بعد جواب این بود که بله، دو الی سه روز کار کرده‌ام. این قضیه به آنجا منتهی می‌شد که شخص شاغل بوده و بیکار نیست. حالا فکر می‌کنید اینکه طرف ۲۵ تا ۲۶ روز بیکار بوده اما صرف دو الی سه روز کار کردن باعث شده او را شاغل به حساب بیاورند این مسایل غلط‌اندازی در بحث آمار است و به همین دلیل است که روی کاغذ و از لحاظ آماری همیشه از وضعیت خوبی برخورداریم اما روی زمین اصلا وضعیت خوبی نداریم! البته این موضوع مربوط به این دولت هم نیست در دولت‌های گذشته نیز همین‌طور بودند؛ همیشه روی آمار دادن و اعداد و ارقام خیلی اوضاع خوب است ولی وقتی روی زمین می‌آییم، وضع به کلی برعکس است. این از اشتباهات آماری است.

پزشکیان: این را باید از دولت پرسید که چگونه دو ساعت کار در هفته را اشتغال به حساب می‌آورد. ما که نمی‌خواهیم خودمان را گول بزنیم. بالاخره منظور از اشتغال این است که یک عده بتوانند زندگی خود را بچرخانند. اگر با دو ساعت کار می‌توانند زندگی کنند، مشکلی ندارند. مهم این است طوری طرف کار کند که زندگی‌اش تامین باشد اما آیا با دو هفته کار زندگی می‌چرخد که ما بخواهیم با دو ساعت کار زندگی را مدیریت کنیم؟

نریمان: اینها اعلام کرده‌اند ما تعریف را عوض نکرده‌ایم و تغییر فرمول‌های شغلی از طرف ILD (سازمان جهانی کار) صورت گرفته است ولی به هر تقدیر حتی اگر مسوولان سازمان جهانی کار تعریف شغل را عوض کرده باشند، شما فکر می‌کنید با دو ساعت کار در هر هفته می‌توان در ایران یک زندگی ساده را جمع و جور کرد؟ یک شکل دایمی و پایدار از کار که بتواند پاسخگوی هزینه‌های خانوار ایرانی باشد را می‌پذیریم. آمده‌اند و با لحاظ دو ساعت کار در هفته، نرخ بیکاری را پایین اعلام می‌کنند، ما نمایندگان با یکی از معضلاتی که مواجه هستیم، مراجعه گسترده بیکاران به دفاتر حوزه‌های انتخابیه‌مان است و آنها از ما می‌خواهند که برایشان کاری جفت و جور کنیم! با این تعاریف و ارقام شاید نرخ بیکاری ما، هم‌سطح کشورهای اروپایی شود اما این‌گونه کارها مشکلی را حل نمی‌کند. در همین استان مازندران طبق تعاریف جدید دوستان از فرمول اشتغال ، نرخ بیکاری به هشت درصد رسیده است (!) در حالی که طبق برنامه آرمانی (!) ساله توسعه پنجم باید به عدد ۹ می‌رسیدیم اما هم‌اینک از هول حلیم در دیگ افتادیم! به نظر من باید یک فرمول واقعی از بیکاری ارایه شود تا اشخاص تحت پوشش سیستم تامین اجتماعی قرار بگیرند و این مهم به واقعیت تبدیل نخواهد شد مگر آنکه ۴۰ ساعت کار در هفته انجام دهد. همان طور که مقام معظم رهبری در دیدار ماه رمضان خود فرمودند باید مشکل بیکاری به شکل جدی پیگیری شود تا ان‌شاءالله ریشه‌کن شود.

دلخوش: من نمی‌دانم. شغلی موثر است که پایدار باشد و تضمین بقای یک خانواده را داشته باشد.

کمالیان: در دنیا درباره اشتغال تعریف‌های زیادی وجود دارد. پیش از این در کشور ما تعریف اشتغال این بود که هر فرد یک روز در هفته را مشغول به کار باشد اما باز تعریف اشتغال عوض شد و به دو ساعت کار در هفته تقلیل پیدا کرد. این موضوع باعث شد که شاخص بیکاری یک‌باره از سطح بالایی، کاهش یافته و کم شود و حالا اگر بخواهیم بگوییم هر فرد اگر دو دقیقه در هفته کار کند، شاغل به حساب می‌آید، بتوانیم ادعا کنیم که بیکاری در کشور کلا از بین رفته است و دیگر بیکار نداریم. اگر بخواهیم به شوخی بگوییم اگر یک دزد را در نظر بگیریم که دو ساعت در هفته کار کند، شدنی است چون حتی خیلی بیش از اینها هم پول درمی‌آورد اما خارج از شوخی حتی مشاغلی هستند که تخصص بالایی دارند و از راه‌حلال (مثل کاری که مربوط به سیستم‌های دیتابیس می‌شود) با برگرداندن یک اطلاعات یک سیستم در عرض دو ساعت ۲۰۰ میلیون تومان پول گرفت اما آیا شهروندان ایرانی هم چنین توانایی‌ای دارند! بیشتر فکر می‌کنم رویایی است.

شهریاری: در اروپا که یک خدمتکار برای دو ساعت کار مراجعه می‌کند، به ازای هر ساعت ۱۰ یورو حقوق می‌گیرد. در کنار اینها پوشش‌های تامین اجتماعی و بیمه بیکاری نیز وجود دارد که افراد را حمایت می‌کند، بنابراین وضعیت ما با کشورهای پیشرفته قابل مقایسه نیست که بخواهیم فرمول آنها را در کشور جهان سومی یا در حال توسعه خود اجرا کنیم. بنابراین تغییر فرمول کار در کشور یک کار اشتباه و غلط است.

به نظر می‌رسد با انحراف از معیار وام‌های خوداشتغالی از مسیر اصلی اشخاص بیکار تبدیل به بیکار- بدهکار شدند، تحلیل شما از این رویه چیست؟

جلالی: این یک پدیده‌ای است که فقط مربوط به دولت فعلی نیست از زمان دولت‌های هفتم، هشتم و نهم که وام‌های خوداشتغالی باب شد، عملا آدم‌ها را از فهرست بیکاران حذف می‌کنیم ولی آنها را تبدیل به بیکار- بدهکار می‌کنیم. اصلا پروژه‌ای به نام خوداشتغالی و کارگاه‌های زودبازده هیچ کدام جواب نداده است. افراد ابتدا وام خوداشتغالی را با خوشحالی دریافت می‌کنند یک مدت کوتاهی هم خوشحال هستند که وام گرفته‌اند اما هنگامی که بازپرداخت‌های وام فرا می‌رسد، تازه مشکلات‌شان شروع می‌شود چون به سطحی از توانایی نرسیده‌اند که اقساط را بپردازند. این طرح‌های زودبازده موثر نبودند و در مقاطعی به شکل مسکن عمل کردند! اما زمانی که اثر تسکینی آنها کمرنگ شد، درد به صورت مشخص خودش را نشان داد. در هر صورت وعده ۲/۵میلیون شغل یک بلندپروازی غیرقابل انجام است.

نریمان: این البته به صورت عام نیست اما باز هم ما مراجعه‌کنندگانی داشتیم که از وام‌های خوداشتغالی استفاده کرده‌اند اما الان از پرداخت اقساط آن عاجز هستند. در مواردی هم بوده که از این وام‌ها استفاده کرده‌اند و خوداشتغال پایداری را نیز به وجود آورده‌اند. اگر درصدی از آنها نیز موفق نبوده‌اند، طبیعی است ولی اگر این درصدها از مرز استاندارد عبور کند و به قول معروف بیکاران گذشته تبدیل به بیکار- بدهکار شوند، آنگاه کل رفتار ما با وام خوداشتغالی، اشتباه از آب درمی‌آید.

حسین‌نژاد: من هم فکر می‌کنم در گذشته آن وام‌های سه میلیون تومانی‌ای که به مردم پرداخت شد و تسهیلات اعطایی فعلی برای ایجاد بنگاه‌های زودبازده انحرافاتی داشت اما اگر بخواهیم درصد آن را حساب کنیم، میزان انحراف آن ناچیز است. من فکر می‌کنم با توجه به تجربیات حوزه انتخابیه من، انحراف از معیار وام‌های خوداشتغالی چیزی حدود ۱۰میلیون تومان است اما اگر بیشتر هم باشد مگر ما غیر از این راهکار، راه‌حل دیگری برای ایجاد اشتغال اراده کرده‌ایم؟ بنابراین بین بد و بدتر و بین خیرالموجودین بهتری انتخاب و بد تا مراجعات جوانان برای اشتغال بی‌پاسخ نماند.

دلخوش: وقتی در بحث اشتغال ساماندهی نباشد، وضعیت این‌گونه می‌شود. اشتغال‌های صنعتی، کشاورزی، عمرانی چه در سطح استانی و چه در سطح ملی اگر مدیریت نشود، نتیجه این می‌شود که بیکار دیروز به بیکار- بدهکار امروز تبدیل می‌شود. حتی می‌توان گفت که مشکلات اشتغال بدهکار را تبدیل به بدهکار و بدهکار را تبدیل به بیکار می‌کند. با توجه به اینکه مرجعی وجود ندارد که خوداشتغال‌ها را حمایت کند و کالاهای تولیدی آنها را به استانداردهای بازار داخلی و خارجی نزدیک کند و کار را برای عرضه محصولات آسان کند، نتیجه این می‌شود که مشاغل همسان و موازی ایجاد می‌شود و تولیدکننده را دچار مشکل می‌کند. در این میان حجم بالای واردات هم که وضعیت را بدتر می‌کند.

کمالیان: در مورد انحراف معیار تسهیلات بانکی باید بگویم که خود گرفتن وام یک نوع ریسک به حساب می‌آید. اگر این ریسک به شکل ۸۰ درصد جواب بدهد، ریسک صحیح است اما این موضوع قابل پیشگیری است. وقتی برآوردها اشتباه از آب درمی‌آید و شرایط ریسک منفی می‌شود، این موضوع پیش می‌آید که بیکار تبدیل به بیکار- بدهکار می‌شود.

شهریاری: آماری بگیرید از کسانی که تحت عنوان بنگاه‌های زودبازده وام دریافت کردند. از تمام گاوداری‌هایی که وام گرفته‌اند، تحقیق کنید. بیشتر گاوداری‌هایی که زیر صد راس گاو دارند و وام دریافت کرده‌اند، دچار مشکل شده و مجبور شده‌اند یا گاوها را بفروشند یا تعطیل کنند. مثلا مجبور شده‌اند گاو شیری سه میلیون تومانی را به علت مشکلات اقتصادی به عنوان گاو گوشتی ۱/۵ میلیون تومان بفروشند.

خبر

کالاهای وارداتی معاف از مالیات برارزش‌افزوده

دام وطیور زنده و فرش دستباف‌هم معاف از مالیات

■ **ایسنا:** در فهرست اعلام شده فهرست کالاهای وارداتی معاف از پرداخت چهاردرصد مالیات بر ارزش افزوده دام و طیور زنده مانند اسب، گاو، گوسفند، خوک و همچنین اقلامی مانند فرش دستباف مشاهده می‌شود. همچنین در این فهرست محصولات کشاورزی فرآوری نشده، دام و طیور زنده، آبزیان، زنبور عسل و نوغان، انواع کود و سم، آرد خبازی و نان، قند و شکر، برنج، شیر، پنیر، انواع دارو، خوراک دام و طیور و اقلام با مصرف صرفا دفاعی وجود دارند. ماده ۱۲قانون مالیات بر ارزش افزوده اشاره به این دارد که واردات کالاهایی بر حسب مورد از «پرداخت مالیات و عوارض» معاف هستند. طبق پیگیری از سازمان توسعه تجارت منظور از این «پرداخت مالیات و عوارض» همان چهاردرصد مالیات بر ارزش افزوده است. بر این اساس، سازمان توسعه تجارت در این مورد باید براساس فهرستی اقدام کند که از سوی معاونت مالیات بر ارزش‌افزوده سازمان امور مالیاتی اعلام شده است.

رییس شورای اصناف:

سازمان مالیاتی کوتاهی کرد

■ **مهر:** رییس شورای اصناف کشور با بیان اینکه هنوز مشکل مالیات بر ارزش افزوده پارچه‌فروشان حل نشده است، گفت: با وجود اینکه دلیلی برای عدم اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده از سوی این صنف وجود ندارد اما سازمان امور مالیاتی نیز در ارایه آموزش‌های لازم کوتاهی کرده است. قاسم نوده‌فراهانی گفت: شورای اصناف کشور درخواست‌های پارچه‌فروشان در مورد اجرای قانون مالیات بر ارزش افزوده را دنبال کرده و چندین جلسه میان نمایندگان این صنف و سازمان امور مالیاتی برگزار شد اما حرف پارچه‌فروشان این است که آموزش‌های لازم را در این زمینه ندیده و ضرایب مالیاتی برای آنها اصلاح نشده است. رییس شورای اصناف کشور افزود: یکی دیگر از درخواست‌های پارچه‌فروشان بخشودگی جرایم بود که با مذاکراتی که با وزارت امور اقتصادی و دارایی انجام گرفت، این مشکل حل شد اما در مقابل قرار بود پارچه‌فروشان ۱۰نماینده برای تداوم مذاکرات انتخاب کرده و بازار را بازگشایی کنند اما تاکنون به وعده‌های خود عمل نکرده و همچنان از اجرای قانون سرپیچی می‌کنند.

افزایش قیمت شیر بعد از ماه رمضان

■ **فارس:** مدیرعامل اتحادیه دامداران استان تهران گفت: اگر دولت تا بعد از ماه رمضان بسته‌های حمایتی را اجرا نکند یا قیمت فرآورده‌های لبنی را بالا ببرد، در این دو حالت قیمت خرید شیر از دامدار افزایش خواهد یافت. جمشید سلیمانی در پاسخ به اینکه در کمیته تصمیم‌گیری، قیمت خرید شیر از دامدار ۵۲۰تومان تعیین شده و قرار است تا پایان سال، طی دو مرحله ۱۱۰تومان دیگر افزایش یابد مرحله بعدی افزایش چه زمانی و به چه میزان خواهد بود، گفت: قرار شد تا پایان ماه رمضان خرید شیر از دامدار ۵۲۰تومان باشد اما به شرط آنکه بعد از آن تکلیف بسته حمایتی دولت مشخص شود و به هر میزان که دولت، بسته حمایتی را اجرا کند از قیمت تمام شده به اضافه سود متعارف کسر می‌شود. مدیرعامل اتحادیه دامداران استان تهران گفت: از سوی دیگر قیمت شیر باید متناسب با بالا رفتن قیمت محصولات لبنی در بازار مصرف باشد. یعنی اگر قیمت شیر خام طوری بالا رود که کارخانه مجبور شود گران بخرد و ارزان‌تر از قیمت تمام شده به بازار عرضه کند در این حالت به کارخانه فرآوری ضربه وارد می‌شود. سلیمانی در پاسخ به اینکه مسوولان فرآورده‌های لبنی درخواست افزایش قیمت کرده‌اند، گفت: چنانچه بعد از ماه مبارک محصولات فرآوری لبنی به هر مقدار افزایش یابد به همان مقدار نیز به قیمت شیر خام اضافه می‌شود. وی افزود: ما امیدوار به افزایش قیمت هستیم اما زمان از دست می‌رود و روزبه‌روز تعداد بیشتری از فعالان دامپروری از چرخه تولید خارج می‌شوند.